یادداشت

شرایط خاص انرژی کشور حکم حکومتی می‌طلبد

دکتر هاشم اوریعی*

چند دهه است که مسئله انرژی و یارانه‌ها که دولت می‌پردازد. از سوی سازمان‌های مختلف دولتی و حکومتی بررسی شده. کمیته‌ها، کارگروه‌ها و اتاق‌های فکر متعدد تشکیل شده و قوانینی هم به تصویب مجلس رسیده است. نتیجه همه این اقدامات آن است که از ۱۳۵ میلیارد دلار انرژی مصرفی سالانه در کشور شامل نفت، بنزین، گاز، برق و... حدود ۱۰۰ میلیارد دلار به صورت یارانه از سوی دولت پرداخت می‌شود. تأسف‌بارتر آن است که کمتر از یک درصد این یارانه به دهک اول یعنی فقیرترین و ۳۰-۲۵ درصد به دهک دهم یعنی آن بخش از جامعه که در بهترین شرایط اقتصادی به سر می‌برند، اختصاص می‌یابد. به‌این‌ترتیب این گروه ۳۴ برابر ضعیف‌ترین قشر جامعه از یارانه انرژی بهره‌مند می‌شوند! تنها برای بنزین دولت هر روز ۳۹۰ میلیارد تومان یارانه می‌پردازد که در عمل صد میلیارد تومان آن به برآمدآمدترین و ۱۰ میلیارد تومان به کم‌درآمدترین افراد پرداخت شده و ۹۰ میلیارد تومان هم قاچاق می‌شود. این در شرایطی است که کل بودجه عمرانی کشور روزانه ۱۲۰ میلیارد تومان است! در برق نیز شرایط بهتر نیست. طبق آمار وزارت نیرو در سال گذشته ۲۶ میلیارد دلار انرژی سوخت مصرف‌شده در نیروگاه‌های کشور بوده و قیمت تمام‌شده واقعی هر کیلووات‌ساعت برق به طور متوسط به ۹۰۰ تومان می‌رسد و این در حالی است که هر کیلووات‌ساعت برق را به حدود ۶۰ تومان می‌فروشیم. این هم از بنگاه‌داری دولت! به‌این‌ترتیب مشاهده می‌شود که شرایط یارانه انرژی در کشور ناپایدار بوده و نمد کامل بی‌عدالتی است. در واقع باید گفت سیاست‌های یارانه انرژی در این دوره طولانی مبتنی بر یارانه‌دادن فقرا به اغنیا بوده و قطعا نتیجه‌ای جز فقیرترشدن فقرا و متمول‌تر شدن اغنیا نداشته و نخواهد داشت. با این مقدمه بیاید نگاهی به هر دو روی سکه بیندازیم و ببینیم حال که به اینجا رسیده‌ایم، چه باید کرد؟ یک روی سکه آن است که یارانه حامل‌های انرژی را یکجا قطع کنیم. گروهی که بر این اقدام پافشاری می‌کنند، معتقدند که اراده چنین یارانه درخورتوجهی اولا باعث افزایش بی‌رویه مصرف شده و ثانیا موجب توسعه قاچاق انرژی به خارج از مرزها می‌شود. آنان همچنین هشدار می‌دهند که اعلام این روند صرفا نیست؛ اما در طرف دیگر سکه کارشناسان اقتصادی اظهار می‌کنند که قیمت انرژی تنها بخشی از بردار قیمت‌هاست و نمی‌توان آن را بدون توجه به یک مدل تعادل عمومی تعیین کرد. در شرایطی که سیستم قیمت‌گذاری در همه بخش‌ها به هم ریخته و مدیریت ناکارآمد بر اقتصاد و بخش انرژی کشور حاکم است، حذف یارانه انرژی بدون توجه به نظام مدیریتی و رکود اقتصادی حاکم، منجر به بحران اقتصادی، فقیرترشدن جامعه، افزایش آمدم دولت و ادامه رجحان‌بخشی را خواهد شد. افزایش قیمت انرژی در واقع یعنی رانت نفت از جیب مردم به دست دولت متمرکز؛ منتقل شد. دقیقا همان‌طور که مردم هزینه کراک کاهش ارزش پول ملی را به دولت پرداخته و فقیرتر شدند؛ بنابراین در این روی سکه سؤال اساسی این است که آیا افزایش شدید قیمت انرژی موجود خواهد شد که توسعه زیرساخت‌ها شکل بگیرد و اقتصاد کشور شکوفا شود یا فقط چند صباحی دیگر به دولت‌ها اجازه خواهد داد که به تاراکزامدی خود ادامه دهند؛ اما چه شد که در بخش انرژی این‌چنین از ناکجاآباد سر درآوردیم؟ دلیلش خودمان هستیم و مثل همیشه «از ماست که بر ماست». دولتمردان‌مان حاضر نشدند هزینه سیاسی تصمیمات درست را بپردازند؛ چون بیشتر به فکر خود بودند تا مردم. نمایندگان مجلس‌مان هم که اکحدالله از همان جنس‌اند. ترجیح دادند و می‌دهند که یک دوره دیگر نمایندگی کنند تا اینکه اقتصاد کشور را در مسیر دشوار توسعه فرار دهند. اما چه باید کرد؟ ضروری است نظام اقتصادی کشور با تکیه بر کار و تلاش بازتعریف شود. درحال‌حاضر نظام اقتصادی کشور «مبتنی بر اقتصاد خیراتی» است؛ یعنی دهها بر سر درآمد حاصل از فروش نفت است و هر گروهی مسئول تقسیم آن شود. در سرنوشت جامعه تأثیری نخواهد داشت. در اقتصاد متکی به کار و تلاش در چاه‌های نفت و گاز بسته می‌شود یا درآمد آن فقط صرف امور زیر بنایی و توسعه‌ای می‌شود؛ نه خرید گوشت و نان. درآمد دولت نیز متکی بر مالیات از فعالیت‌های اقتصادی است؛ نه از فروش غنائم زیرزمینی و روزمینی. در چنین سیستمی بانک مرکزی سیاست‌های خود را مستقل از دولت و با هدف رشد اقتصادی جامعه تنظیم می‌کند؛ نه اینکه صرفا به ماشین چاپ اسکناس برای تداوم ریخت‌وپاش‌های دولت تبدیل شود. مخلص کلام این است که انداختن همه تقصیرات به گردن دیگران فقط و فقط پاکردن صورت‌مسئله است و کره کور اقتصاد کشور را بار نخواهد کرد. اینجاست که مسئله حکم حکومتی مطرح می‌شود. چه بهتر است که به حکم حکومتی از این جنبه نگریسته شود و از آن برای بازکردن یکی از گره‌های کور نظام اقتصادی کشور بهره جوییم. دراین‌صورت می‌توان در کام اول کارگروهی مستقل از دولت تشکیل داده که اعضای آن نه وزرا و وکلا و خواص؛ بلکه صاحب‌نظران و فعالان واقعی جامعه باشند. این گروه با بررسی همه‌جانبه و بدون لحاظ‌کردن منافع سیاسی و کوتاه‌مدت، برنامه‌ای جامع تدوین و پس از نهایی‌شدن به اجرای آن نظارت خواهد داشت؛ برنامه‌ای که در واقع تلفیقی از دو روی سکه خواهد بود.

*استاد دانشگاه صنعتی شریف
رئیس انجمن علمی انرژی بادی ایران

گذر

کارشکنی واردکنندگان نهاده‌های دامی

رئیس هیئت‌مدیره کانون صنفی کاوداران با بیان اینکه برخی تجار در برابر تصمیمات وزیر جهاد در توزیع نهاده‌های دامی کارشکنی می‌کنند، گفت: خسارت سیل به دام سنگین در برابر جمعیت دام کشور چشمگیر نیست. سیداحمد مقدسی در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به متوقف‌شدن واردات گوشت قرمز با ارز ۲۴۰۰تومانی، گفت: مسئولان مربوطه بعد از یک سال به حرف ما رسیدند که اختصاص ارز دولتی به واردات این کالا مشکل‌گشا نیست. وی اضافه کرد: سال گذشته علاوه بر اختصاص ارز دولتی به واردات گوشت، صادرات دام را هم ممنوع کردند که این اقدام به افزایش قاچاق دام از کشور منجر شد. مقدسی با بیان اینکه نتیجه این کار خروج هم‌زمان دام و ارز از کشور بود، گفت: این چالش‌ها نتیجه تصمیمات خلق‌الساعه دولتمردان است.

روزنامه «شرق» رأی دادگاه لندن درباره پرونده دکل گمشده را منتشر می‌کند

کشف فساد جدید در پرونده دکل گمشده

محمد مساعد

حکم دادگاه لندن که بالغ بر ۵۰ صفحه و ۲۷ هزار کلمه است، بخش‌هایی از ماجرای «دکل گمشده» را روشن می‌کند که پیش از در مصاحبه‌های متهمان با رسانه‌ها ناگفته مانده یا کمتر به آن توجه شده بود. حکم دادگاه لندن در ابتدا روشن می‌کند اولا در این معامله قصد خرید دو دکل جمعا به مبلغ ۸۷ میلیون دلار (فورجوتا به قیمت ۶۶ میلیون دلار و بریتانیا به قیمت ۲۱ میلیون دلار) وجود داشته است؛ درحالی‌که مدیرعامل وقت شرکت تاسیسات دریایی و مشاور او که از متهمان هر دو دادگاه ایران و لندن هستند، این حقیقت را از هیئت‌مدیره شرکت پنهان کرده‌اند و آنچه در ایران به سهامداران شرکت تاسیسات دریایی ارائه شده، قرارداد خرید یک دکل به قیمت ۸۷ میلیون دلار است.

در توضیحات دادگاه لندن، همچنین افشا می‌شود که برخی از مدیران شرکت تاسیسات دریایی قصد داشته‌اند مدارک مرتبطی را که این رازها را هویدا می‌کرد، از شرکت خارج کنند که با دخالت حراست شرکت موفق به این کار نشده‌اند. این مسئله از آن نظر مهم است که اگر به هر دلیلی پرداخت‌ها در زمان مقرر انجام می‌گرفت و شرکت رومانیایی GSP قرارداد را فسخ نمی‌کرد، دکل فورجوتا به ایران می‌آمد و شاید هرگز هیچ‌کس متوجه نمی‌شد در این بین پای یک دکل دیگر نیز درمیان بوده است. به عبارت دیگر، ممکن بود حتی این قرارداد به سرانجام برسد و مدیران آن مجموعه به دیلم تلاش موفق برای دورزدن تحریم‌ها، تشویق شوند! اما در عمل نه‌تنها حداقل ۲۱ میلیون دلار سرمایه شرکت (که درعمل متعلق به بخشی از مردم ایران بوده) به سرقت برود، بلکه یک دکل نیز در کوشه‌ای از دنیا مورد استفاده کلاهبرداران این پرونده قرار بگیرد. بدون آنکه کسی بداند پول خرید آن از چه طریقی تأمین شده است. نکته دیگری که حکم دادگاه لندن روشن می‌کند، صداقت‌نداشتن همه متهمان در طول فعل‌وانفعالات انعقاد و پیگیری این قرارداد در قبال شرکت تاسیسات دریایی و حتی یکدیگر است؛ به‌گونه‌ای که قاضی پرونده نیز با اطمینان می‌گوید هیچ‌کدام از متهمان این پرونده با استناد به اسناد ارائه‌شده، از آنچه رخ می‌داده بی‌خبر نبوده‌اند. همچنین قاضی در بخشی از رای صادرشده، به این نکته اشاره می‌کند که هزاران برگ جعلی در پرونده وجود دارد که عمدا گمراه‌کننده هستند.

نکته بسیار مهم دیگری که امیدوارم از نظر دور نماند، این است که تاثیر بسیار مخرب خصولتی‌سازی‌ها را در این پرونده نیز می‌توان مشاهده کرد. شرکت تاسیسات دریایی در حالی به شرکتی خصوصی تبدیل شده که در عمل از سوی دستگاه‌های دولتی (به معنای عام آن) کنترل و اداره می‌شده است و اگرچه حتی در بزرگترین اجزای سهام‌داری آن نیز اشخاص حقیقی حاکم هستند (برای مثال آن بخش از سهام شرکت تاسیسات دریایی که در اختیار بنیاد تعاون ناجا است.) از سوی پنج نفر از افراد مورد اعتماد ناجا به عنوان اشخاص حقیقی مدیریت می‌شده است) و روی کاغذ این شرکت خصوصی محسوب می‌شود، اما در عمل بای خواننده این سطور کاملا روشن است که این شرکت را نمی‌توان شرکتی خصوصی دانست که تحت نفوذ دولت نیست. این همان نکته‌ای است که قاضی دادگاه لندن نیز به آن اشاره می‌کند. اهمیت این تفاوت کوچک چیست؟ اهمیت این تفاوت میان شرکت دولتی و خصولتی در پرونده‌هایی مانند این آشکار است. بسیاری از اتهامات هم متهمان در طول مدیرانی دولتی باشد. در این شرکت‌ها عملا قابل استناد نیستند و این حاشیه امنی را برای مدیرانی ایجاد می‌کند که عملا مدیران دولتی هستند. اما روی کاغذ به مدیریت شرکتی خصوصی مشغول‌اند. برای مثال، یکی از این اتهامات که در همین پرونده نیز امکان بررسی دارد، اتهام دریافت رشوه است که طبق قانون تنها برای مدیران دولتی (به معنای عام) معنا دارد و مدیر شرکتی مانند شرکت تاسیسات دریایی را نمی‌توان به دریافت رشوه متهم کرد؛ زیرا شرکت تاسیسات روی کاغذ شرکتی خصوصی است؛ نکته‌ای بس غم‌انگیز که نشان می‌دهد چگونه اشتهای مهلک در بخشی از حکمرانی، می‌تواند به بروز اشتباهات متعدد در بخش‌های دیگر آن منجر شود.

نکته آخر اینکه خلاصه‌کردن حکم صادرشده پرونده‌ای در این ابعاد، اصلا آسان نیست و ادعا نمی‌کنم تمام نکات مهمی را که برای روشن‌شدن موضوع در ذهن خواننده لازم است، در این خلاصه آورده‌ام؛ بااین‌حال تلاش شد تا آنجا که ممکن است، هیچ نکته مهمی از قلم نیفتد. به این امید که در آینده بتوانیم برای رفع قطعی دادگاه ایران پس از صدور رأیی برای خواندگان منتشر کنیم.

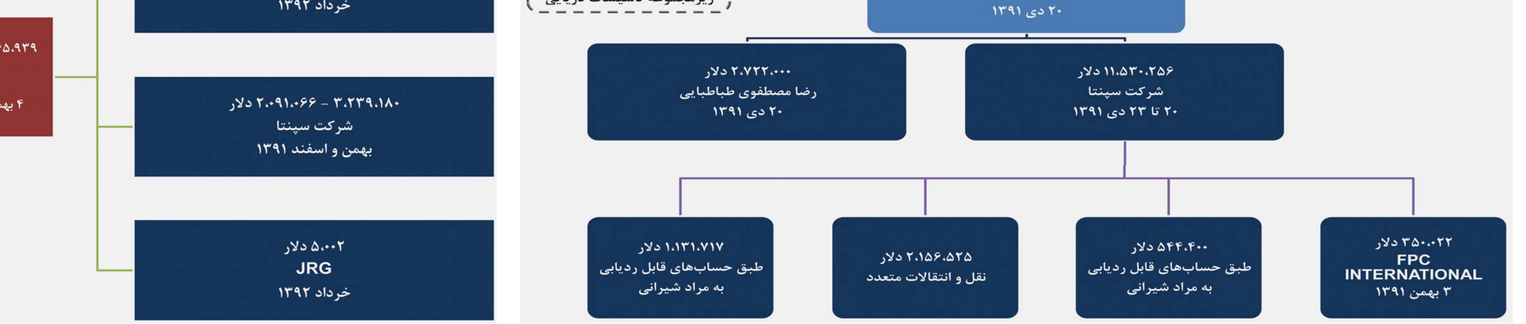

دادگاه عالی
دادگاه تجاری واملاک انگلیس وولز
دادگاه بازرگانی QBD
شاکی
شرکت تاسیسات دریایی ایران
متهمان
متهم ردیف اول: شرکت Dean S.A
متهم ردیف دوم: شرکت مشاوره حقوقی Dean
متهم ردیف سوم: شرکت بازرگانی Dean FZE
متهم ردیف چهارم: عمر کامل محمود الساوه
متهم ردیف پنجم: شرکت سپنتا
متهم ردیف ششم: آقای رضا مصطفوی‌طباطبایی
متهم ردیف هفتم: آقای علی طاهری
متهم ردیف هشتم: آقای اقامرد شیرانی‌تکابی
متهم ردیف نهم: آقای انصاری میران پیلای محمد بشیر
وکیل شاکی: اندر آنسلو و ریچارد هنک (شرکت بین‌المللی وکالت Eversheds Sutherland International LLP)
متهمان چهارم و نهم شخصا حضور یافتند و از حق دفاع کردند.
متهم ردیف ششم شخصا حضور یافت و به دفاع از خود و متهم ردیف پنجم نپرداخت.
تاریخ استماع: ۳،۴،۱۰،۷،۵و۱۹،۱۴و۲۰سدسامبر۲۰۱۸
نمای کلی
-در این اقامه دعوی، شرکت تاسیسات دریایی مدعی است مورد کلاهبرداری توسط متهمان قرار گرفته. اعلامیت این پرونده این است که شرکت تاسیسات دریایی ۸۷ میلیون دلار به‌عنوان وجه یک دکل نفتی پرداخت کرده؛ اما این دکل را دریافت نکرده است.
- متهمان پنج نفر هستند. متهم ردیف هفت یعنی آقای طاهری بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ مدیرعامل شرکت تاسیسات دریایی بوده است. متهم ردیف هشت یعنی آقای شیرانی، مشاور آقای طاهری در این شرکت بوده و نقش بزرگی نیز در شرکت سپنتا که متهم ردیف پنجم محسوب می‌شود، داشته است. متهم ردیف چهارم که ایشان را از این به بعد کثر الساوه خواهیم خواند یک وکیل است که قبلا مدیر و سهام‌دار متهمان ردیف یک تا سه بوده است. متهم ردیف ششم که آقای طباطبایی نامیده خواهد شد، یک کارآفرین است و مدیر و سهام‌دار متهم ردیف پنجم نیز محسوب می‌شود. متهم ردیف نهم که آقای انصاری نام دارد، قبلا مدیر عامل متهم ردیف پنجم و شرکت اکتشاف و توسعه انرژی ENEXD بوده که تحت مدیریت و کنترل متهم ردیف ششم بوده است.
- سایر متهمان شخصیت‌های حقوقی هستند. متهم ردیف اول که آن را Dean می‌خواهیم خواند، یک شرکت ثبت‌شده در جزایر ویرجین بریتانیا (در دریای کارائیب) است که در سال ۱۳۹۱ تاسیس شده. متهم ردیف دوم و سوم هر دو در امارات متحده عربی ثبت شده‌اند و از سال ۱۳۹۲ عملا یکی شده‌اند و از آن پس با نام Dean legal یاد می‌کنیم. متهم ردیف پنجم، یعنی شرکت سپنتا یک شرکت ثبت‌شده در امارات متحده عربی است و زمینه فعالیتش تامین تجهیزات نفت و گاز از چین برای ایران بوده است.
خلاصه پرونده
- شرکت تاسیسات دریایی ترغیب شد دکل حفاری GSP FORTUNA را خریداری کند و متهمان از محل وجوه کل ۲۲ میلیون دلار منافع دریافت کرده‌اند که مابه‌التفاوت قیمت خرید دکل توسط شرکت واسطه (Dean) و قیمت فروش دکل به تاسیسات دریایی بوده است. زمانی که فروشنده دکل قرارداد را فسخ کرد، متهمان از فرصت استفاده کردند تا مبلغ بیشتری از محل توافق دریافت کنند. مرکز این کلاهبرداری آقای طاهری و آقای شیرانی بوده‌اند که هردوی آنها در قبال شرکت تاسیسات دریایی مسئول بوده‌اند. آقای طاهری و آقای شیرانی از مابه‌التفاوت قیمت اعلامی به شرکت تاسیسات دریایی و قیمت واقعی معامله آگاه بوده‌اند. آنها شرکت تاسیسات دریایی را به شکلی مدیریت کرده‌اند که قرارداد خرید منعقد شود. آقای طاهری با اطلاع از اینکه این قرارداد از لحاظ اقتصادی به ضرر شرکت تاسیسات دریایی بوده، این کار را انجام داد و قوانین داخلی شرکت خود را نیز نقض کرده است. آقایان طاهری و شیرانی سپس تدارکاتی انجام داده‌اند تا باقی مبالغ قرارداد پس از فسخ نیز به شرکت واسط پرداخت دولت و با هدف رشد اقتصادی جامعه تنظیم می‌کند؛ نه اینکه صرفا به ماشین چاپ اسکناس برای تداوم ریخت‌وپاش‌های دولت تبدیل شود. مخلص کلام این است که انداختن همه تقصیرات به گردن دیگران فقط و فقط پاکردن صورت‌مسئله است و کره کور اقتصاد کشور را بار نخواهد کرد. اینجاست که مسئله حکم حکومتی مطرح می‌شود. چه بهتر است که به حکم حکومتی از این جنبه نگریسته شود و از آن برای بازکردن یکی از گره‌های کور نظام اقتصادی کشور بهره جوییم. دراین‌صورت می‌توان در کام اول کارگروهی مستقل از دولت تشکیل داده که اعضای آن نه وزرا و وکلا و خواص؛ بلکه صاحب‌نظران و فعالان واقعی جامعه باشند. این گروه با بررسی همه‌جانبه و بدون لحاظ‌کردن منافع سیاسی و کوتاه‌مدت، برنامه‌ای جامع تدوین و پس از نهایی‌شدن به اجرای آن نظارت خواهد داشت؛ برنامه‌ای که در واقع تلفیقی از دو روی سکه خواهد بود.

آقای الساوه، Dean و Dean legal در بطن این کلاهبرداری حاضر بوده‌اند. آقای طباطبایی و سپنتا نیز نقش اصلی را در کلاهبرداری داشته‌اند. آقای طباطبایی به تمامی اقدامات اعضا و شرکت Dean و Dean legal جهت می‌داده است. شرکت Dean legal تحت مدیریت آقای طباطبایی قسمت عظیمی از وجوه دریافتی را به حساب خود و شرکت سپنتا واریز کرده و بخشی از وجه که پیش‌پرداخت شده بود نیز به آقا شیرانی پرداخت شده است که در حقیقت رشوه تلقی می‌شد. آقای انصاری نیز در دوره مدیریت خود بر Dean و Dean legal در خیانت در امانت همدست آقایان طاهری و شیرانی بوده و در تقسیم وجوه دریافتی از شرکت تاسیسات دریایی نقش داشته است.

- آقای طاهری و آقای شیرانی در دادرسی شرکت نکردند.

- شرکت Dean در دفاعیه خود استدلال کرده است در ابتدا قرار بوده دو دکل به نام‌های فورجوتا و بریتانیا به قیمت‌های ۶۶ و ۲۱ میلیون دلار خریداری شود. بااین‌حال در ادامه شرکت تاسیسات دریایی از خرید دکل بریتانیا منصرف شد، اما نخواست قیمت معامله تغییر کند و قرار بود مابه‌التفاوت مذکور به حساب افراد مورد نظر شرکت تاسیسات دریایی واریز شود.

-آقای الساوه مدعی بود از طرف آقای طباطبایی شرکت‌های Dean و Dean legal را سیروسی کرده است. او از طریق ویدئوکنفرانس از دوبی در جلسه دادرسی شرکت کرد و حضور ویدئویی او شامل ارائه مدارک و شواهد و بازپرسی شد.

- آقای طباطبایی معتقد است پرونده‌ای که علیه آقا اقامه شده تحت حمایت دولت ایران و دارای انگیزه‌های سیاسی است و او در این کلاهبرداری نقشی نداشته است.

حقایق موجود

- آقای طباطبایی در ایران به دنیا آمده و در رشته مهندسی عمران از دانشگاه آزاد اسلامی فارغ‌التحصیل شده است. او در صنایع بالادستی نفت و گاز فعالیت می‌کرده و نماینده شرکت فناوری و توسعه نفتی جزر در خاورمیانه بوده است. او شرکت‌هایی با نام سپنتا (که نام پسر اوست) نیز تاسیس کرده است. شرکت سپنتای ایران که در ۱۳۷۹ تاسیس شده، در زمینه بهره‌برداری و تأمین تجهیزات فعالیت می‌کرده و همسر او همواره سهام‌دار عمده این شرکت بوده است.

- آقای شیرانی قبل از بروز اختلاف در این پرونده، شریک آقای طباطبایی بوده است.

- از اسفند ۱۳۸۸ آقای طاهری مدیرعامل شرکت تاسیسات دریایی شده و آقای شیرانی را که پیش از آن نیز نقش مشاور برای شرکت تاسیسات دریایی داشته است، به عنوان مشاور خود منصوب کرده است. در حکم مشاوره او که در شهریور ۱۳۸۹ امضا شده و نسخه‌ای از آن به زبان انگلیسی ترجمه شده، آمده است: نظر به سوابق و تجارب شما بدین وسیله شما را به عنوان مشاور خود در زمینه حقاری، سیاسه‌کاری و امور بازرگانی منصوب می‌نمایم. انتظار می‌رود خود را وقف شناسایی بازارهای جهانی با هدف توسعه و گسترش فعالیت‌های شرکت و جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کنید.

- در دی ماه ۱۳۹۰ مدیر عامل شرکت تاسیسات دریایی منصوب کرده است که یک دکل حفاری (تا سقف ۲۰۰ میلیون دلار) خریداری شود. آقای طاهری از امضاکنندگان این مصوبه بوده است.

- آقای شیرانی به صورت شفاف از این تصمیم آگاه بوده است.

-دکل فورجوتا یک دکل سه‌پایه طاقی مدل FRIEDE & GOLDMAN L-780 MODEL 2 بوده که یک دکل حفاری دریایی متحرک است. قرار است مالکیت شرکت رومانیایی GSP بوده است.

-مذاکرات میان شرکت Dean و شرکت GSP انجام شده و مهندسان شرکت سپنتا از دکل که آن زمان در ترکیه مستقر بوده بازدید کرده‌اند. در مذاکرات صورت‌گرفته در ماه می ۲۰۱۲ آقای طباطبایی، آقای شیرانی از یک سو و آقای کابریل کومانکو و آقای علیرضا شهریاری از سوی شرکت GSP حاضر بوده‌اند. آقای شیرانی در طول مذاکرات با آقای طاهری در تماس بوده است.

- در ژوئن ۲۰۱۲ آقای شهریاری به نمایندگی از فروشنده رومانیایی پیش‌نویس قرارداد فروش دو دکل فورجوتا و بریتانیا جمعا به مبلغ ۸۷ میلیون دلار را به آقای طباطبایی ارسال کرده است. در همان ماه آقای الساوه نامه‌ای با سربرگ شرکت Dean برای آقای شیرانی به عنوان مشاور مدیرعامل شرکت تاسیسات دریایی ارسال کرده که حاوی یک کپی از مشخصات دکل حفاری فورجوتا بوده و قیمت آن به تنهایی ۸۷ میلیون دلار ذکر شده است.

- در ۵ تیر ۱۳۹۱ قرارداد خرید دکل فورجوتا به قیمت ۶۶ میلیون دلار و دکل بریتانیا به قیمت ۲۱ میلیون دلار بین شرکت Dean با امضای آقای الساوه و GSP رومانی با امضای آقای کوماتسکو منعقد شده است. در این معامله خریدار متعهد شده مبلغ ۱۳میلیون و ۲۰۰ هزار دلار به عنوان پیش‌پرداخت به فروشنده پرداخت کند و همچنین ذکر شده است این ودیعه تنها در صورتی بازپرداخت خواهد شد که با فروشنده نتواند به تعهدش عمل کند یا دکل پیش از خاتمه بازسازی و تحویل دچار خسارت شود.

- در ششم تیر ۱۳۹۱ آقای الساوه پیش‌نویس قرارداد فروش دکل فورجوتا توسط شرکت Dean به شرکت تاسیسات دریایی را به مبلغ ۸۷ میلیون دلار برای شرکت تاسیسات دریایی ارسال کرده است. ودیعه این قرارداد ۱۷میلیون و ۴۰۰ هزار دلار بوده است و همچنین ذکر شده که حداکثر تا صد روز کاری از تاریخ پرداخت ودیعه و پس از انتقال قانونی مالکیت دکل به خریدار و ارسال رضایت‌بخش دکل به منطقه مورد نظر خریدار مبلغ ۶۹میلیون و ۶۰۰ هزار دلار به حساب فروشنده واریز خواهد شد.

- به این ترتیب نه تنها مبلغ پیش‌پرداخت شرکت تاسیسات دریایی به شرکت Dean بیشتر از رقم پیش‌پرداخت شرکت Dean به شرکت فروشنده اصلی دکل است بلکه هیچ سخنی از دکل بریتانیا در قرارداد بین واسطه و شرکت تاسیسات دریایی وجود ندارد. با این حال به دستور آقای طاهری مبلغ مورد نظر یعنی ۱۷میلیون و ۴۰۰ هزار دلار برابر با ۶۳میلیون و ۸۵۸ هزار درهم امارات از طرف شرکت تاسیسات دریایی به شرکت Dean واریز می‌شود.

- در تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ بلافاصله صبر شرکت GSP رومانی سر می‌رسد و آقای کوماتسکو ایمیلی برای عمر کامل ارسال و تهدید می‌کند در صورت عدم انجام تعهدات قرارداد از فسخ خواهد کرد.

- در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ آقای شهریاری، نماینده شرکت GSP رومانی نامه‌ای را مستقیما برای آقای طاهری و آقای شیرانی ارسال می‌کند. این نامه با زمانی مرموز و پررمزوراز نوشته شده اما در آن صریحا آمده است اگر خریدار تا ۴ دسامبر ۲۰۱۲ از انجام تعهدات مالی خود قصور ورزد فروشنده سریعا حق فسخ خواهد داشت. این نامه نشان می‌دهد افرادی در شرکت GSP در جریان بوده‌اند که خریدار واقعی دکل فورجوتا، شرکت تاسیسات دریایی است.

- در یکم سپتامبر ۲۰۱۲ موضوع خرید دکل حفاری فورجوتا در هیئت مدیره تاسیسات دریایی توسط آقای طاهری مطرح و در آن مقرر شد سهامداران هزینه خرید یک دکل دست‌دوم از ترکیه به قیمت ۸۷ میلیون دلار را تامین کنند.

- در تاریخ سوم دسامبر ۲۰۱۲ هیچ مبلغ جدیدی به شرکت GSP رومانی پرداخت نشده بود و در نتیجه این شرکت ضمن لغو قرارداد، ابلاغیه فسخ آن را به شرکت Dean ارسال کرد. روز بعد آقای عمر کامل ایمیلی به آقای شیرانی ارسال کرد که می‌گفت: تمام تلاشم را انجام می‌دهم تا پس از مصیبتی که دیروز رخ داد قرارداد را زنده نگه دارم و هم‌اکنون سه روز زمان اضافه می‌خواهم تا تامین مالی قرارداد را انجام دهم. لطفا از انتقال وجه تا شنبه اطمینان کسب کنید در غیر صورت می‌ترسم مبلغ ودیعه به عنوان خسارت دیرکرد منظور شود.

- با درنظرگرفتن این حقیقت که آقای طاهری یکی از دو فردی بود که اخطار آقای شهریاری از طرف GSP را چند روز زودتر دریافت کرده بود با توجه به ارتباط او و شیرانی تجهیزکیری می‌کنم که بایستی آقای طاهری از انصراف قرارداد مطلع گردد.

- با وجود فسخ قرارداد، دست‌کم در آغاز با امید احیای توافق، آقای طاهری اقداماتی انجام داد تا مبلغ انجام معامله را از طریق واسطه‌ای به نام شرکت CPTDC به شرکت Dean برساند. او در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۲ دستور پرداخت ۴۰ میلیون دلار برای شرکت نفت اینترنیود SARL صادر کرد که مبلغ یادشده باید از سوی NICO از طرف شرکت تاسیسات دریایی از ذی‌نفع اولیه (UNO STEEL) در وجه CPTDC پرداخت می‌شد.

- در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۲ آقای عمر کامل به آقای طاهری ایمیل زد و نسخه‌ای از آن را هم برای آقای شیرانی فرستاد و در آن ایمیل تاکید کرد شرکت چینی وجه را دریافت کرده و درصدد انتقال آن به شرکت Dean legal است. او از آقای طاهری و شیرانی خواست مابقی وجه را نیز به ASAP پرداخت کنند و گفت اکنون می‌تواند پیمان قرارداد را احیا کند.

- در ۶ ژانویه ۲۰۱۳ آقای طاهری دستور پرداخت مبلغ ۲۵میلیون و ۶۲۰ هزار یورو را به شرکت بین‌المللی فولاد فراوری‌شده (International Processed Steel) صادر کرد که شرکت زیرمجموعه تاسیسات دریایی بود. او در اصل قصد داشت این وجه را به Uno Steel پرداخت کند تا به CPTDC منتقل شود.

- در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۲ آقای شیرانی از آقای یحیوی خواست دستوری برای تایپ‌رئیس CPTDC صادر کند تا وجه ۴۰ میلیون دلار را که از طریق NICO به آن شرکت منتقل شده بود، به آقای عمر کامل به‌عنوان مدیرعامل شرکت Dean منتقل کند. این دستور به باید از سوی آقای طاهری امضا می‌شد. در تاریخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۲ تهیه و برای CPTDC ارسال شد.

- پرداخت‌های بعدی از طرف شرکت تاسیسات دریایی از سوی Dean legal دریافت شدند؛ یعنی مبلغ ۱۰میلیون و ۹۹۹ هزار یورو در ۹ ژانویه ۲۰۱۳ و ۱۸میلیون و ۵۰۲ هزار یورو در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۳ از CPTDC دریافت شد. علاوه‌بران در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۳ دکتر طاهری دستوری برای CPTDC صادر کرد تا مبلغ ۲۹میلیون و ۶۰۰ هزار دلار به شرکت Dean پرداخت کند. این دستور در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ مجدد تکرار شد.

- در این مدت عمر کامل تلاش می‌کرد تا قرارداد خرید فورجوتا را زنده کند. او ایمیلی برای آقای طاهری و شیرانی فرستاد و گفت فروشنده به آنها یک روز فرصت داده تا قرارداد را احیا کنند، اما در ۲۰ فوریه ۲۰۱۳ آقای شهریاری از طرف GSP به عمر کامل ایمیل زد و گفت آقای کوماتسکو (مدیر GSP) دستور داده است که مذاکرات مربوط به معامله را تمام کنند. در پنجم مارس ۲۰۱۳ عمر کامل به کوماتسکو ایمیل زد و نسخه‌ای از آن را هم به شهریاری ارسال کرد. او در این ایمیل درخواست کرد اگر قرارداد لغو است، باید ودیعه بازگردانده شود؛ وگرنه به دادگاه شکایت خواهد کرد.

- در ۲۰ آوریل ۲۰۱۳ شرکت CPTDC طبق دستورات آقای قبلا صادر شده بود، ۲۹ میلیون دلار دیگر به حساب بانکی Dean legal واریز کرد.

- در ادامه شرکت فروشنده دکل از شرکت Dean به‌عنوان خریدار دکل شکایت کرد؛ اما این شکایت در ۹ جولای ۲۰۱۴ شکست خورد.

- در آوریل ۲۰۱۵ و با شروع بررسی‌های گسترده در شرکت تاسیسات دریایی، عمر کامل شروع به ارسال ایمیل‌هایی به آقای مصطفوی‌طباطبایی و آقای انصاری که خود را جدا از آنها نشان بدهد. او در آن ایمیل‌ها تاکید کرد دیگر علاقه‌ای به ادامه همکاری با Dean legal ندارد. او در ۲۷ آوریل ۲۰۱۵ باقی‌مانده ۵۰ درصد سهام خود در Dean را به آقای انصاری منتقل کرد. او در آگوست ۲۰۱۵ نیز با ارسال ایمیل به آقای طباطبایی و انصاری انتصاب شرکت‌های Dean به خود را فسخ کرد.

- شرکت تاسیسات دریایی در ۱۴ مارس ۲۰۱۶ به این دادگاه شکایت کرد.

موضوعات واقعی بحث‌برانگیز

-آقای طباطبایی معتقد است شرکت تاسیسات دریایی به قوه مجریه ایران نزدیک است. شرکت تاسیسات دریایی مدارکی به دادگاه ارائه کرده که نشان می‌دهد این شرکت خصوصی است که طبق قانون تجارت ایران اداره می‌شود؛ بااین‌حال مشخص است که ارتباطات بین شرکت تاسیسات دریایی به قوه مجریه ایران نزدیک است و غیرمحتمل به نظر می‌رسد که شرکت تاسیسات دریایی در موضوعات مهم خلاف خواسته دولت ایران رفتار کند. به همین‌دلیل می‌توانم بپذیرم موضع سیاسی آقای طباطبایی باعث شده شرکت تاسیسات دریایی او را شدیدا تعقیب کند؛ اما در مقابل رفتاری آرام با عمر کامل داشته باشد. بااین‌حال اعتقاد دارم شکایت شرکت تاسیسات دریایی علیه طباطبایی دروغ‌پردازانه و بدون پشتوانه نیست و آقای طباطبایی براساس شواهد موجود مسئول خواهد بود؛ نه براساس دشمنی دولت ایران و او.

- برای من واضح است که آقای طاهری و آقای شیرانی در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر بوده‌اند و بسیاری از مکاتبات آقای شهریاری به هر دو آنها ارسال شده است. ازجمله اینکه هر دو آنها مطلع بوده‌اند شرکت GSP رومانی قصد داشته دکل فورجوتا را ۶۶ میلیون دلار بفروشد و قیمتی که GSP تواف